

ویدئو که شروع می‌شود همه‌چیز خیلی ساده است؛ بخش‌هایی از یک مسابقهٔ تلویزیونی با عنوان «ثانیه‌ها»، ویدئویی که این‌روزها مدام در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شود. مجری برنامه «داریوش کاردان» است و ۱۳ شرکت‌کننده زن در تصویر دیده می‌شود. با خودتان می‌گویید یک ویدئوی دیگر که شاید قصدش مانند نمونه‌های مشابه برملاکردن سوتی‌های رسانه ملی است. کاردان شروع به پرسیدن سؤال می‌کند؛ هنوز همه اتفاق خاصی روی نداده است. گرہ ماجرا از جایی آغاز می‌شود که سؤالات، حتی ساده‌ترین آنها، از سوی شرکت‌کنندگان یا بدون پاسخ می‌مانند یا بدترین پاسخ‌های ممکن را دریافت می‌کنند. سؤالات، اطلاعات عمومی شرکت‌کنندگان را می‌سنجد؛ سؤالی مثل اینکه «کدام مجلس رای به انحلال سلسله قاجار داد؟» و پاسخ آن: «مجلس خبرگان» یا سؤال دیگری که از عامل کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ می‌پرسد و پاسخی که داده می‌شود «شهید مدرس» و «میرزای شیرازی» است. جالب‌ترین سؤال که هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان قادر به پاسخ به آن نیستند، سؤالی درباره جغرافیای ایران است، «همسایگان دریای خزر چه کشورهایی هستند؟ این سؤال از سه شرکت‌کننده پرسیده می‌شود و هیچ‌کدام نمی‌توانند به آن پاسخ صحیح بدهند. این ویدئو تنها در شبکه اشتراک‌گذاری فیلم «آپارات» بیش از ۹ هزار بار دیده شده است. این ویدئو توسط حسایی به اشتراک گذاشته شده که پیش از این هم ویدئوهایی از همین جنس منتشر کرده بود. جالب‌آنکه رکورد تعداد بازدید پس از ویدئوی ثانیه‌ها، از آن ویدئوهایی با موضوع «مذاکرات هسته‌ای»، «انفجار در معدن رغال‌سنگ»، «تهدید جدید داعش» و «افطاری پزانگو ایوانکوویچ» است. البته در نیمه دوم تیرماه یک ویدئویی دیگر نیز نواسته رکورد بازدید ویدئوهای این حساب کاربری را با اختلاف بشکند؛ آن هم ویدئویی با عنوان «دلیل تذکر مدیر شبکه به احسان علیخانی چه بود؟» که ۱۹هزارو ۴۷۳ بار بازدید شده است. به‌اشتراک‌گذاری این ویدئو به شبکه‌های اجتماعی محدود نماند و برخی

از تاریخ وجغرافیای خود چه می‌دانیم؟

مهسا علی‌بیگی



سایت‌های خبری رسمی نیز آن را با عنوان «کلافه‌شدن آقای مجری از سطح اطلاعات شرکت‌کنندگان مسابقهٔ تلویزیونی ثانیه‌ها» بازنشر کردند. این‌روزها که بازار کلیک روی ویدئوی «ثانیه‌ها» گرم است اما عمر ثانیه‌ها به‌زودی

در جست‌وجوی مقصر؛ زنان یا معلمان؟

با همان سرعتی که ویدئو دیده می‌شد، اظهارنظرها درباره آن هم بالا می‌گرفت؛ از اظهارنظرهای کوتاه مثبت و منفی مثل «واقعاً تاسف‌برانگیز» یا «خدایی خیلی خنده است، خمتا ببینید» تا بحث‌های طولانی در گروه‌های مجازی جدی که دلیل بی‌پاسخ‌ماندن این سؤالات را سرانه چنددقیقه‌ای مطالعه در ایران می‌دانستند. در میان این واکنش‌ها ما دو واکنش جنجال‌های مفصل‌تری را دامن زد؛ واکنشی که این فرض را پیش می‌کشید که پاسخ‌های نادرست شرکت‌کنندگان با زن‌بون آنها ارتباط دارد و دومی واکنشی بود که این فرضیه را مطرح می‌کرد که شرکت‌کنندگان، کارمندان ادارهای دولتی هستند که به‌صورت فله‌ای، بدون هیچ گزینشی و حتی شاید به‌شکلی دستوری در مسابقه شرکت کرده‌اند. البته هر دو فرضیه خیلی سریع رد شد. کمی بعدتر ویدئویی منتشر شد که «نسخه مردانه» ویدئوی اول خوانده می‌شد و در آن مردان نیز از پاسخ به سؤالاتی مشابه عاجز بودند. فرضیه دوم نیز با انتشار این خبر که شرکت‌کنندگان خانم، معلم بوده‌اند، ابطال شد. «آذر منصوری»، نماینده پیشین مجلس و عضو جمعیت زنان مسلمان نواندیش، معتقد است که نباید ویدئوهایی از این دست را «مشتی نمونه خروار زنان جامعه» دانست. او می‌گوید: «گزینش چنددقیقه‌ای از یک مسابقه تلویزیونی حدوداً یک‌ساعته که شرکت‌کنندگان آن زنان هستند، خود موضوعی قابل‌تأمل است. ویدئوهایی ازاین‌دست به‌دنبال القای موضوعاتی خاص به مخاطبان هستند. این ویدئو به‌هیچ‌وجه برآیندی از جامعه زنان نیست و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را مشت‌ی نمونه خروار دانست. سبیل راه‌افتگان خانم به دانشگاه‌های کشور با رتبه‌های بالای علمی و همچنین ورود زنان به همه عرصه‌های تصمیم‌گیری در کشور به اندازه کافی توانمندی‌ها و توانایی‌های زنان جامعه ایران را نشان می‌دهد». او ادامه می‌دهد: «نمی‌توان این بخش گزینش‌شده از یک مسابقه را دلیلی بر وضعیت حاکم بر جامعه زنان دانست زیرا وقتی این ویدئو منتشر شد، خود کاربران زن نیز در مقابل آن واکنش نشان دادند چون سؤالات همگی از جنس اطلاعات عمومی است و بسیاری از افراد جامعه از هر دو جنس از این اطلاعات بهره‌مند هستند. در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران شاهد مسابقات دیگری هم از این نوع هستیم و می‌توانیم گزینش‌های دیگری از آنها داشته باشیم که نقش آفرینان آنها خانم‌ها نباشند». او همچنین بر موضوع استفاده از شبکه‌های مجازی برای طرح مطالبات زنان تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد: «اکنون در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم و شبکه‌های مجازی با توجه به قابلیت‌هایی که دارند، فرصت بسیار مناسبی را در اختیار گروه‌های حامی زنان قرار می‌دهند تا از این شبکه‌ها و فضای مجازی برای طرح مطالبات زنان استفاده کنند اما متأسفانه در فضای مجازی به‌جای ایجاد فرصت برای جریان‌سازی در حوزه مطالبات زنان شاهد تولید محتوای گزینشیه هستیم که می‌تواند تضعیف جریان‌ها و گروه‌های زنان محسوب شود».

زاویه

شبکه‌های اجتماعی، علت یا معلول؟

شاید همه کاربرانی که ویدئوی ثانیه‌ها را تماشا کرده‌اند خودشان نیز در پاسخ به سؤالات تاریخ و جغرافیای ایران چند لحظه‌ای تردید کرده باشند. «افشین بدالهی»، روان‌شناس، که خود به‌تازگی جریانی با عنوان «ضنדרه» را پیگیری می‌کند تا دربرابر جنجال‌های شبکه‌های مجازی بایستد، ازجمله افرادی است که انتشار این ویدئو را تلنگری می‌داند که باید ما را به خودمان بیاورد. او می‌گوید: «جامعه ما مجال تفکر و تعقل را از دست داده است. ما اولاً اطلاعات زیادی نداریم که بخوایم آن را تحلیل کنیم و در ثانی قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل کردمان را به دست اطلاعاتی سپرده‌ایم که از همین دنیای مجازی می‌گیریم. هرکسی که در جامعه زندگی می‌کند می‌داند کودتا یک حرکت نظامی است. از طرف دیگر هرکسی که تحصیلات متوسطه داشته باشد در کتاب‌های تاریخ مدرسه با شهید مدرس آشنا شده و حتی اگر نک نداند او چه کرده حداقل عکس او را دیده و می‌داند که یک روحانی است. شما حتی اگر پاسخ این سؤال را ندانید باید براساس این اطلاعات اولیه بتوانید با تجزیه و تحلیل‌کردن بفهمید کودتا را یک روحانی انجام نمی‌دهد». این روان‌شناس در پاسخ به این سؤال که ممکن است شرایط مسابقه و استرس ناشی از آن، این قدرت تجزیه و تحلیل را از شرکت‌کنندگان گرفته باشد، می‌گوید: «در اثر استرس، کارکرد فرد ۵۰ درصد افت می‌کند اما عقل انسان زایل نمی‌شود. مشابه این مسابقات ۱۵، ۱۰ سال پیش هم برگزار می‌شد که در یکی از ویدئوهایی که از این برنامه‌ها باقی مانده مرحوم نودری، مجری و عادل فردوسی‌پور شرکت‌کننده است. آن مسابقات را با این ویدئو مقایسه و تفاوت‌ها را مشاهده کنید. سؤال این است که در این مدت چه اتفاقی برای ما ایرانی‌ها افتاده است؟» او ادامه می‌دهد: «پاسخ من این است که جامعه ما مجال تفکر را از دست داده، شبکه‌های اجتماعی همه‌جا را پر کرده و همه درگیر آنها هستند. پیام‌ها را بدون خواندن و ارزیابی‌کردن دست‌به‌دست می‌کنند؛ یعنی افراد تبدیل به اپراتورهای پشت مانیتورها شده‌اند. به همین خاطر می‌بینید که شعری نیمایی در فضای مجازی بازنشر می‌شود و زیرش می‌پوسند شعر از صائب تبریزی!» بدالهی همچنین می‌گوید: «من مسابقه را ندیده‌ام اما در این ویدئوهایی که منتشر شده، می‌بینیم که مجری برنامه عصبانی است. به نظر می‌رسد زیاد با این‌جور پاسخ‌ها سرگور دارد. واقعیت هم همین است؛ متأسفانه شما در جامعه زیاد می‌بینید که کسی توان دفاع از آنچه تفکراتش می‌داند، ندارد و این ویدئو هم از این جهت باورپذیر است که ما هر روز داریم با چنین افرادی برخورد می‌کنیم و متأسفم بگویم که این کم‌اطلاعی و بی‌اطلاعی زیاد شده است». او همچنین فضای مجازی را عامل این کم‌اطلاعی می‌داند و تأکید می‌کند: «گروه‌ها و شبکه‌های مجازی وقت آدم را می‌گیرد. اینها کاملاً ما را مشغول کرده است و متأسفانه به آنها عادت هم کرده‌ایم و فرصتی برای کارهای دیگر نداریم. از طرف دیگر پیام‌هایی که در این گروه‌ها ارسال می‌شود جملات کوتاه است که معلوم نیست از چه کسی است و برای چه تولید شده است. ما هم آنها را می‌خوانیم، شاید خیلی‌وقت‌ها هم اصلاً نخوانیم و فقط آنها را منتشر کنیم. همه اینها باعث می‌شود در مسائل عمیق نشویم و در سطح بمانیم».

شبکه‌های اجتماعی مجازی شاید تمرین دموکراسی

حسام محمدی

دیمی آسترزاد.

درمی‌آسترزاد، تمام آنچه دیریز در خلوت ما بود، امروز در حوزه عمومی به اشتراک گذاشته می‌شود. شاید و البته شاید این نوعی تمرین برای شکل‌گیری یک دموکراسی مشورتی باشد که سعی کرده تا همه افراد را در خود درگیر کند و تلاشی در جهت ایجاد یک وضعیت کلامی ایده‌آل تلقی شود تا در قالب آن همه بتوانند به شکلی برابر، ایده‌ها و عقاید خود را مطرح کنند و تنها نیروی استدلال بهتر حاکم باشد و این همان اصلی است که هابرماس آن را تبادل‌نظر دموکراتیک می‌نامد. البته همه اینها وقتی شکل درست و قابل‌قبولی به خود می‌گیرد که اخلاق گفت‌وگو، که خود نیز اصول و قواعدی دارد، بر این فضا حاکم باشد.

از طرف دیگر، حوزه عمومی برخلاف حوزه خصوصی نیز دارای اصول و قواعد خاصی است و محدودیت‌هایی دارد، لازم است تا افراد در چارچوب این قواعد وارد بازی شده و مسائل اجتماعی و سیاسی را از آن جهت که دارای تأثیرات و پیامدهای عده‌ای هستند، مورد بحث و گفت‌وگو قرار دهند. در اینجا بحث بر سر این مسئله است که امروزه دموکراسی پروژه‌ای مرتبط با حوزه عمومی بوده و سازوکارها و مختصات آن نیز در این حوزه تعیین می‌شود.

برابری در گفت‌وگوها، آزادی از برخی محدودیت‌ها و امکان حضور همگان سبب شده تا شبکه‌های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی و برقراری روابط نامدین، فارغ از محدودیت‌ها و عوامل سرکوب کننده از طریق تعاملات مجازی و نامدین فراهم کنند. نباید فراموش کرد که این فضا امروز در جامعه ما گاه آلوده، مبهم و بی‌هدف به حیات خود ادامه می‌دهد؛ مطالب مبذل، جوک‌های جنسیتی و قومیتی، خشونت‌های مجازی، کیی‌برداری‌های مکرر و بدون منبع، همه‌وهمه سبب شده تا این فضا نتواند به رسالت و هدف بنیادین خود نزدیک شود.

شبکه‌های اجتماعی به همان دلایلی که قبلاً هم اشاره شد، در صورت حرکت هدفمند می‌توانند زمینه‌ای برای نیل به دموکراسی در شکل خاص خود باشند؛ زمینه‌ای برای شنیدن آرا و نظرات دیگران و بیان‌کردن عقاید، بدون برخی چارچوب‌ها و اصول محدودکننده.

دیدگاه‌ها و نظرات در این شبکه‌ها نقد و بازنقد می‌شوند تا تفاهم و توافق جمعی حاصل شود. اینکه افراد یاد می‌گیرند تا نظرات مخالف خود را شنیده و حتی گاه درصدد اصلاح عقاید خود برآیند، پیش‌شرط یک جامعه آزاد که در امنیت و به‌دور از ترس و خشونت باشد، قبول همه شهروندان آن جامعه در مقام انسان‌های آزاد و برابر و برخورداری از

یک مفهوم

گفت‌وگو با کارگردان «ثانیه‌ها» شرکت‌کنندگان لیسانس فوق لیسانس دارند

انتشار ویدئوی مسابقه «ثانیه‌ها»

انتقاداتی را نیز متوجه رسانه ملی و سازندگان این برنامه کرد؛ انتقاداتی از این قبیل که چرا رسانه ملی قبل از ضبط و پخش مسابقه به سنجش سطح معلومات شرکت‌کنندگان نپرداخته است. «سهیل سلیمانی»، طراح، کارگردان و مجری طرح مسابقه ثانیه‌ها، به برخی از این انتقادها پاسخ داده است.

۴ شرکت‌کنندگان مسابقه ثانیه‌ها چگونه انتخاب می‌شوند؟

ساختمان مسابقه ثانیه‌ها اینگونه است که شرکت‌کننده‌ها، قبل از این برنامه از یک فیلتر رد می‌شوند به این شکل که ابتدا شرکت‌کنندگان از طریق شماره تلفنی که اعلام شده است با برنامه تماس می‌گیرند و در مسابقه‌ای تلفنی شرکت می‌کنند. اگر در مسابقه تلفنی که سؤالات آن هم اطلاعات عمومی است اول شوند، می‌توانند در برنامهٔ تلویزیونی شرکت کنند.

۱ یکی از انتقادها به این برنامه این است که انتخاب‌ها به‌صورت سازمانی و از یک نهاد خاص بوده.

نه این‌گونه نیست. تمام کسانی که در این قسمت از برنامه حضور دارند، لیسانس و فوق‌لیسانس دارند. مشکل این است که ویدئویی که از این برنامه منتشرشده، مونتاژ قسمت‌های مختلف مسابقه است و همه مسابقه را نشان نمی‌دهد. سؤالات ما در سه سطح ساده، متوسط و سخت توسط کارشناسان حوزه‌های مختلف تاریخ، جغرافیا، معارف و… طراحی می‌شوند و شرکت‌کنندگان به خیلی از آنها پاسخ می‌دهند که در ویدئو نیست. حتی گاهی یک شرکت‌کننده جواب اشتباه را بلافاصله تصحیح می‌کند و مجری هم جواب را می‌پذیرد ولی در این ویدئو چیزی درباره این اتفاقات نیست. از نظر من یکی از دلایل اصلی اینکه شرکت‌کنندگان در این مسابقه پاسخ‌گو نبوده‌اند، استرس بالای آنهاست تا کسی خودش پشت تریبون نباشد نمی‌تواند شرکت‌کنندگان را قضاوت کند.

۴ استرس آن قدر تعیین‌کننده هست که کسی عربستان را همسایه شمالی ایران بخواند؟

نه، ولی مسابقه‌ها در کنار سرگرمی، برای آموزش و اطلاعات‌دادن هم ساخته می‌شوند زیرا ما معتقدیم که همه‌چیز را همکسان می‌دانند. کلید اصلی شرکت در این مسابقه داشتن اطلاعات بالاست و ولی من می‌گویم چرا مسابقه مونتاژ شده؟ ما ایرانی‌ها در این‌جور کارها عادت داریم. دنبال این هستیم که یک چیز را پیدا کنیم و بخندیم. ما عادت داریم به همدیگر بخندیم. نه اینکه با هم بخندیم نمونه‌اش همین جوک‌های قومیتی‌مان است. حرف من این است که باید شرایط افراد را درک کنیم و بدانیم که شرکت‌کنندگان به‌شدت دچار استرس هستند. من از همین جا به همه کسانی که این ویدئو را دیده‌اند می‌گویم هرکس که خودش را در سطحی می‌داند که باید و در این مسابقه شرکت کند، ما حاضریم آنها را در این مسابقه شرکت دعیم تا ببینیم عملکردشان چگونه است.

۴ خب از نظر خودتان چرا مونتاژ شده است؟

چنددلیل می‌تواند داشته باشد. دلیل اولش این است که بعضی‌ها با صداوسیما مشکل دارند و از هر حربه‌ای برای نشان دادن ضعف‌های صداوسیما استفاده می‌کنند.

برای این موضوع دلیل دیگری که از نظر من مهم‌تر است این است که افراد دنبال تولید محتوایی هستند که بتوانند در فان‌پیج‌ها منتشر کنند و بخندند.

۴ ولی محتوا خیلی خنده‌دار نیست و اتفاقاً بحث‌های زیادی را درباره بی‌اطلاعی ما دامن زد.

من خوشحال می‌شوم اگر این برنامه یک تلنگر به مردم بوده باشد که سرانه مطالعه را بالا ببرند. امروز به سبب رسانه‌های مجازی همه‌جور اطلاعات مبادله می‌شود بدون اینکه پیشینه علمی آنها بررسی شود و همه شده‌ایم اقیانوسی به سطح نیم‌بند انگشت. امیدوارم واقعاً این برنامه تلنگری در این زمینه باشد.

نگاه

مسئله فقط انتخاب بد نیست

نیکلاس کریستف - مترجم: شهریار خواجهان

هر زمان درباره کسانی می‌نویسیم که درحال مبارزه هستند، برخی خوانندگان می‌گویند: مردم بهتر است دست از نایلین بردارند و شغلی برای خود دست‌وپا کنند. همه‌چیز به مسئولیت فردی بازمی‌گردد. در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۵ صورت گرفت، جمهوری‌خواهان دلیل ناداری را دو برابر بیشتر به شکست‌های فردی نسبت می‌دادند تا فقدان فرصت‌ها (دموکرات‌ها عکس آن می‌اندیشیدند). تصمیم گرفتم نظر برخی از نادارها را دراین باره بپرسم. در بالتیمور با اندرو جکسون فیلیپس (بسر) ۲۸ ساله، که در هشت‌واندی‌سال گذشته بی‌خانمان بوده است، به گفت‌وگو نشستم. وی بر آن است که در روایت مسئولیت فردی واقعیتی وجود دارد و اذعان می‌کند که «موقعیت‌های چندی داشتم، اما انتخاب‌های بدی کردم»؛ هرچند این را هم اضافه کرد که فکر می‌کند «سیستم» نیز او را تنها گذاشته است. از او درباره دوران کودکی‌اش پرسیدم، فیلیپس گفت مادرش معتاد به موادمخدر بوده است و ممکن است وی از همان بدو تولد این مواد را در خون خود حمل می‌کرده است. خواهر و برادرانش از مسمومیت شدید سرب در رنج بوده‌اند و او نیز احتمالاً چنین مسمومیتی را با عواقب شناختی و رفتاری آن داشته است. فیلیپس در سه سالگی شاهد بود برادرش هدف گلوله قرار گرفت و مرد و در پنج سالگی هم یک فروشنده مواد او را از ناحیه سر، هدف گلوله قرار داد (جای زخم آن از نشان می‌دهد). وی کلاس هشتم بود که مدرسه را رها کرده است. برای شروع، شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهند فقر و مشکلات مربوطه سلامت روانی از راه‌های پیچیده و تشدیدشونده‌ای با هم پیوند دارند. در ایالات متحده، نظرسنجی گالوپ چند سال پیش نشان داد آتهایی که در فقر به‌سر می‌برند، دو برابر بیشتر از دیگر آمریکایی‌ها به افسردگی مبتلا می‌شوند. یک مطالعه در ۲۰۱۰، حکایت از آن داشت که ۵۵ درصد از کودکان آمریکایی که در سال ۲۰۰۱ در فقر زندگی می‌کردند، زیر نظر مادرانی بزرگ می‌شدند که نشانه‌های افسردگی داشتند. نشریه روان‌شناسی جاما، سال گذشته برآورد کرد میلیون‌ها آمریکایی کم‌درآمد از عفونت‌های انگلی همچون تاکسوکاریاسیس* و تاکسوپلاسموسیس** رنج می‌برند و با ضایعات شناختی یا اختلال در سلامت روانی همراه هستند.

* بیماری‌ای که علت آن یک کرم انگلی از رده تاکسوکاراست و به‌واسطه خوردن مادهای همچون خاک به انسان منتقل می‌شود که به فضولات سگ یا گربه آلوده است و نوعاً بر چشم یا اندام‌های درونی تأثیر می‌گذارد. نوع چشمی این بیماری می‌تواند به کوری دائم بینجامد. م ** بیماری ناشی از همششنی که ویژگی آن بروز ضایعه در دستگاه مرکزی اعصاب است و می‌تواند موجب نابینایی یا صدمه مغزی شود. برای بیماری همچنین یک بیماری کشنده‌ای است که نشان آن تب، التهاب گره‌های لنفاوی و بروز ضایعه در کبد، قلب، شش و مغز است. م دکتر پیتز هوتز، نویسنده این گزارش، می‌گوید: «به تخمین من ۱۲ میلیون آمریکایی فقیر از دست‌کم یک بیماری مغفول‌مانده انگلی یا التهابی رنج می‌برند. وی اضافه می‌کند: «رسانه‌ها تأکید بسیاری بر تهدید بیماری‌های خیالی عفونی می‌کنند، درحالی‌که میلیون‌ها نفری که در فقر زندگی می‌کنند، عمدتاً رنگین‌پوستان، عفونت‌های مغفول‌مانده‌ای دارند که تقریباً به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود». اگر با مشکلات ناشی از سلامت روان دست‌به‌گریبان هستید، یا با ضایعاتی از قبیل خشونت خانگی بزرگ می‌شوید (یا شاهد آن هستید که برادرتان با گلوله کشته می‌شود)، احتمال بیشتری دارد که در مدرسه مشکل داشته باشید، به خود-درمانی با مواد یا الکل پناه ببرید و در روابط با دیگران با دشواری روبه‌رو شوید. جواناس هاسر هوفر، روان‌شناس دانشگاه پرستون، خاطرنشان می‌کند که «پیوند محکمی بین فقر و سلامت روانی پایین وجود دارد». یک پژوهش دیگر نشان داده است فشار اقتصادی انرژی یا ظرفیت شناختی ما را می‌رباید؛ نگرانی از قبض‌های صورت‌حساب، خورد و خوراک یا دیگر مشکلات، ظرفیت کمتری برای نگرش به آینده یا حفظ نظم و ترتیب در زندگی باقی می‌گذارد. ازاین‌رو، فقر نوعی مایهات روانی [و مبتلایان آن] می‌تعمیل می‌کند. سندیل مولیناتان از دانشگاه هاروارد و الدار شافیر از دانشگاه پرستون، این پژوهش را در کتاب مهم «کمبایی» خود انجام داده‌اند. آنها خاطرنشان می‌کنند در زمان پیش از برداشت محصول (یعنی زمانی که از نظر اقتصادی نهایت فشار وارد می‌شود) آزمایش بهره هوشی دهقانان هندی ۱۰ نمره پایین‌تر از پس از برداشت محصول (که اوضاع‌شان روبراه می‌شود) است. قدر مسلم اینکه، حتی اگر از تهی‌دستان در آزمایش‌های روان‌شناسی وابسته شود به صورت حساب هزارو ۵۰۰ دلاری خودروشان ببینند، بهره هوشی‌شان در تست‌های مربوطه به میزان قابل ملاحظه‌ای پایین می‌آید. معلوم می‌شود زمانی که مردم سطح کورتیزول‌شان (هورمون استرس) بالا باشد، کمتر میل دارند ارشای خواسته‌های خود را به تأخیر اندازند. پژوهشگران سطح کورتیزول را در افراد مورد آزمایش، افزایش دادند که این موجب شد برای دریافت پاداش‌های فوری، ناشکیاتر و ازهم‌میزون برای «انتخاب‌های به نفع مستعجل‌تر شوند. هلاس هوفر اشاره می‌کند: این به‌واقع گفت‌وگوی دشواری است، زیرا به‌سرعت می‌توان فقیر را برای فقرش به گوشه راند و نکوهید و این پیامی نیست که موردنظر من بود. برعکس، این شرایط است که می‌تواند شما را به وضعیتی برساند که تصمیم‌گیری درست به‌راستی دشوار باشد، چراکه شما [در شرایط بد] بسیار عصبی و نگران هستید؛ شرایطی که در آن، موارد خطا بسیار بیشتر می‌شود، زیرا زمان کمتری برای مانور دارید».

باید‌ها

اما بایبید به یاد داشته باشیم که امروزه آزمون‌های اتفاقی داریم -استاندارد طلای مدارک و شواهد- که نشان می‌دهند برخی برنامه‌های اجتماعی از عمومیت رفتارهای خود-ویرانگر می‌کاهد؛ عیادت از نوزادان در خانه می‌تواند آسیب‌پذیری در مقابل سرب را کم و به مادران در ارتباط با تغذیه نوزاد با شیر خود و خوردن‌های نامناسب کودکان‌شان کمک کند. توسعه سلامت روانی، بی‌خانمانی را کاهش می‌دهد. مشاغل آکادمیک که تجربه کاری در اختیار نوجوانان در خطر می‌گذارد، عایدی‌شان را بالا می‌برد. طرح‌های مربوطبه برنامه‌ریزی خانوادگی برای نیازمندان، بخشی از هزینه‌ها را تأمین می‌کند؛ یک آی‌بودی با کاشت [اوسلیه ضدبارداری] ۸۰۰ دلار هزینه دارد، درحالی‌که یک زایمان با استفاده از طرح مفید حدود ۱۳ هزار دلار خرج دارد. بنابراین مادامی که از مسئولیت فردی می‌گوییم، بایبید خود را نیز بیازماییم. آیا ما برای شروع عادلانه زندگی برای همه، مسئولیت مشترکی نداریم، تا کودکان‌مان به‌سوی انتخاب‌های بد رانده نشوند؟ درحالی‌که شواهد و نشانه‌ها با قاطعیت می‌گویند که ما خود، به‌چه‌جا را پیش از آنکه رهایمان کنند، تنها می‌گذاریم و درحالی‌که برخی برنامه‌های ویژه به‌واقع در پول مردم صرفه‌جویی می‌کنند تا مسئولیت فردی را ازتقا بکشند. آیا‌مان آن نرسیده است که بشود بهانه‌ها برای رفتارهای خود ویرانگرمان را نیز به‌عنوان یک جامعه کنار بگذاریم؟